

با آغاز جنگ پس از دیدن دوره‌های نظامی به منطقه اعزام شد. پس از مدتی به فرماندهی اطلاعات سپاه دزفول برگزیده شد. آقامهدی یکی از عناصر فعال و کارآمد اطلاعات عملیات قرارگاه بود.

❑ چگونگی شکل‌گیری لشکر همیشه پیروز علی بن ابیطالب (ع)

سخن از لشگری است که به نام مقدس «علی بن ابیطالب (ع)» مفتخر می‌باشد و در دامان خود دلاورمردان بسیاری را پرورانده است.

پس از مدتی شهید زین‌الدین در سن ۲۳ سالگی فرمانده تیپ ۱۷ علی بن ابیطالب (ع) شد. اندکی نگذشته بود که آقامهدی، مدیریت و فرماندهی قوی خود را در عملیات رمضان به نمایش گذاشت. در عملیات محرم، آقامهدی به عنوان یکی از لایق‌ترین فرماندهان وارد عملیات شد. پس از مدتی تیپ ۱۷ به لشکر ارتقا یافت و آقامهدی فرمانده این لشکر شد. عملیات «الفجر» که سپری شد، زمزمه آزادسازی جزایر مجنون برخاست. آقامهدی به عنوان طراح و برنامه‌ریز اصلی عملیات وارد عمل شد. نبرد خیبر آغاز شد و مهدی دلاور، سرافراز و سربلند از جزایر مجنون بیرون آمد و دشمن مایوس و ناتوان از فرمانده جوان ۲۳ ساله‌ای که باعث شکستش شده بود، با عنوان «خیبرشکن» نام می‌برد. تا آنجا که به گفته فرماندهان عالی‌رتبه جنگ، آقامهدی نخستین کسی بود که طلسم نبرد روز را شکست.

این لشکر در تب و تاب نبرد قهرمانانه با خصم زبون، قدرتمند وارد عرصه پیکار شد و از این نقطه، پای در راهی طولانی و پر مخاطره نهاد. به برکت خون شهادت و با استواری رزمندگان از جان گذشته‌اش، در لحظات حساس و سرنوشت‌ساز، به شایستگی مأموریت خود را به انجام رسانید و به عنوان لشگری خط‌شکن در عملیات «الفجر مقدماتی»، «الفجر ۳»، «الفجر ۴» و «خیبر» و... پیروزی‌های افتخارآفرینی را به دست آورد و تا آخرین لحظات جنگ راه روشن دفاع و مقاومت را ادامه داد.

❑ شهید از زبان همسر

برخورد اولی که با ایشان داشتم، تمام مسائل را برای من گفته بود. او می‌گفت: «انتهای راه من شهادت است. اگر جنگ هم تمام شود و من شهید نشوم هرکجا که جنگ حق علیه باطل باشد، آنجا می‌روم تا شهید شوم.» مشکلات نبودن در خانه را چون قبلاً برایم گفته بود، پذیرش و تحمل آن برای من راحت بود. برای این‌که سراپا محبت بود. دوست داشت همه از دستش راضی باشند. با این وجود هیچ‌گونه وابستگی به خانه نداشت.»

بگذار جاودانگی شهیدان عشق را که در قربانگاه‌ها به شهادت ایستادند، ما نیز شاهد شویم که شهیدان پیام خویش را سرخ سرخ در سینه‌های ما نگاشتند. چه کسی کربلای سالار ما، حسین (ع) را دوباره به پا کرد؟ لحظه‌هایی که زبان در کلام ماند مان قادر به اعتراض نبود، و شرافت و تقوی، شعور و غیرتمان به غارت می‌رفت، کدامین تن در ظهر بلوغ و عاشورا را به چشمان بی‌نورمان تاباند و جز شهید چه کسی باور کرد، که زندگی در فضای سیاه شب تنها فریب خویش است.

❑ زندگی‌نامه شهید

شهید زین‌الدین در مهرماه ۱۳۳۸ در تهران متولد شد. هنگامی که متولد شد مسئولیت مادر او در تربیت و پرورش این فرزند، بیش از پیش شد و این معلم قرآن فرزندش را با آیه آیه کتاب عشق پروراند، از کودکی، قرآن را یاد گرفت. در ۵ سالگی به دلیل فعالیت‌های مبارزاتی پدرش به همراه خانواده به خرم‌آباد مهاجرت نمود.

از کودکی دارای نبوغ فکری بسیار بالا بود. در جوانی علاوه بر کار و تلاش در کنار پدرش در بیش‌تر فعالیت‌های فرهنگی - دینی شرکت می‌کرد.

❑ فعالیت‌های سیاسی شهید

فعالیت سیاسی او از زمانی آغاز شد که آیت‌الله مدنی به خرم‌آباد تبعید شد. مهدی به شدت جذب ایشان شد و در خدمت او بود و در آنجا شکل سیاست و مبارزه را آموخت. در همان سنین جوانی که به دبیرستان می‌رفت حزب رستاخیز تشکیل شد و در تمام خرم‌آباد دو جوان پیدا شدند که عضویت این حزب را نپذیرفتند. یکی از این دو جوان آقامهدی بود. بر این اساس آقامهدی از مدرسه اخراج شد. پس از مدتی به همراه خانواده به قم آمد و به واسطه فعالیت‌های سیاسی، پدرش روانه زندان شد. این در حالی بود که آقامهدی در دبیرستان امام صادق (ع) قم به تحصیل مشغول بود، پس از پایان تحصیلات و همزمان با تبعید پدرش به سقز، در کنکور شرکت نمود و در دانشگاه شیراز با رتبه چهارم قبول شد.

پس از پیروزی انقلاب وارد جهادسازندگی و سپس وارد سپاه شد. جنگ کردستان که شروع شد به همراه دوستان داوطلبانه به کردستان رفت و از اتوبوسی که آنان را برده بود، تنها شش نفرشان بازگشتند و بقیه دوستان به شهادت رسیدند. در آغاز طوفان‌ها و بحران‌های انقلاب در قم در سن ۲۰ سالگی مسئول اطلاعات سپاه شد و با ذکاوت و درایت فتنه خلق مسلمان را در شهر قم خاموش نمود.

روح‌الله فریس آبادی

سردار خیبرشکن شهید



شهید، به روایت یاران

در این جا یک پرسش مطرح است که چگونه آقامهدی موفق شد به این موقعیت عالی دست یابد و روشن گرداند و ما را بیش از پیش با این چهره درخشان جنگ آشنا سازد. در این جا نگاهی داریم به سجایای اخلاقی شهید از زبان یاران و همزمان شهید:

«این سردار عزیز را باید در قلب بسیجی ها و پاسداران لشکر ۱۷ جست و جو کرد. نیروهای زیر دستش به ایشان عشق می ورزیدند و هنوز هم آثار این رابطه نزدیک و قلبی که یک فرمانده باید با رزمنده داشته باشد، در روح و قلب افراد لشکر مشهود است.» (سردار احمد فحوی) آقامهدی به خوبی می دانست که اگر فرمانده، ذره ای پای بلرزاند و خود را بیازد، نیروهایش تمام توان و استقامت خویش را از دست می دهند، این روحیه آقا مهدی باعث می شد که وظیفه ای مضاعف را بر دوش خود احساس کند.

«ما کمتر دیدیم که ایشان در پذیرش مسؤولیت و مأموریت، روحیه منفی پیدا کند. در مأموریت های رزمی استقامت و مقاومت خوبی داشت و همین روحیه موجب می شد که یگان تحت فرماندهی اش نیز به همین استقامت و مقاومت دست پیدا کند.» (سپهد شهید علی صیاد شیرازی) عاملی که موجب شد محبت آقامهدی را در دل ها گستراند شخصیت پرجاذبه او بود. ایشان به دور از هرگونه ریا و در کمال صداقت و پاکی، طوری رفتار می کرد که دیگران خواسته و ناخواسته به حوزه نفوذ و دوستی او کشیده می شدند. هرگز در پی تشریفات و در بند ظواهر نبود. به راحتی و بی تکلف سخن می گفت. هرگز کسی را به دلیل ضعف هایش در کار، از خود دور نمی کرد.

«اگر می دید که یک نیرویی مدیریتش ضعیف است، او را طرد نمی کرد، می آورد پیش خودش. یک مدتی در فرماندهی می آورد و به او راه و رسم کار و آن چیزهایی را که باید بیاموزد، می آموخت. بعد دوباره در جایی مناسب از همان نیرو استفاده می کرد. در این چند سال ما ندیدیم که ایشان کسی را طرد کند.» (خاطره ای از یک رزمنده)

برخورد خوش و چهره خندان او زیانزد خاص و عام بود. کسانی که در طول سال های حضورش در جنگ، او را در لحظات سخت و طاقت فرسا همراهی کرده اند هرگز به یاد ندارند که با وجود موقعیت فرماندهی، خشمگین شود.

«اولین برخوردی که با او داشتم و نظر من را جلب کرد: حسن اخلاق و ویژگی های اخلاقی ایشان بود. به نظر من همانطور که خداوند به پیامبر اکرم ﷺ می گوید به خاطر حسن خلق توست که ما آن ها را گرد تو جمع کرده ایم. این اخلاق حسنه شهید زین الدین بود که محور ارتباطات و بسیج نیروهای لشکر بود.» (سردار استکی)

شهید زین الدین از خلوص ایمان در قلب و تقوای الهی در میدان عمل

برخوردار بود. پای تقوا که به میان می آید، شاهد ماجرا کس دیگری است. او که از نیک و بد اعمال آگاه است و «اتّما یتقبّل اللّهُ من المتّقین» (مائده: ۲۷) را فرموده است. آقا مهدی پیش از همه به دریافت این نشان و افتخار و قبولی نائل آمد. آنجا که جان را نیز بر سر رضای دوست نهاد.

زین الدین عارفی متعبد، خداجو و خداترس بود.
«برادر مهدی زین الدین فرماندهی بود که مقبول مولای متقیان «زُهاذ فی اللّیل و أسد فی النهار» بود.
برادری مؤمن و متعبد بود.» (سرلشگر سیدرحیم صفوی)
روحی که با دعا و عبادت پیوند خورده باشد، آن چنان زیبا و ستودنی می گردد که چون شمع، پروانه صفات را به گرد خویش می خواند. هرگاه زبان به دعا می گشود جز مهر معبود چیزی نمی گفت:

«بار الها، چه در پیروزی و چه در شکست، قلب های ما متوجه توست، خدایا این قلب های شیفته خودت و شیفته حسینت و شیفته اولیات و شهادت را از بلایا و خباثت دنیایی پاک گردان.» (از نیایش های شهید زین الدین)

عروج عاشقانه

در ۲۷ آبان ماه ۱۳۶۳ در یکی از مأموریت ها در منطقه غرب در کنار برادرش هنگامی که با ماشین راهی منطقه بودند به یکی از کمین های دشمن برخورد می کنند. پس از اصابت موشک آر. پی. جی به سقف ماشین، مجید به شهادت رسیده و مهدی از ماشین پیاده شده و به دنبال

مهدی زین الدین

پناهگاهی حرکت می‌کند که از پشت مورد اصابت رگبار گلوله قرار گرفته و به شهادت می‌رسد. آقا مهدی، در ۲۷ آبان ماه ۱۳۶۳ به آرزوی خود رسید و فردای آن روز وقتی صاعقه وحشت‌زای خبر پرکشیدن او را به بچه‌های لشکر عشق دادند، همه شانه‌های ستبرشان لرزید و باران در باران چشم‌های بهاری آنان را خیس از اشک کرد.

▣ خطبه‌های زینب‌گونه مادر شهید

همه کسانی که روز تشییع پیکر پاک این دو برادر قهرمان را به یاد دارند، می‌دانند که سخنان این مادر در آن روز، چه شوری آفرید و چه غوغایی به پا کرد و این حماسه‌آفرینی، حکایت همه مادران و زنان سرزمین خون‌ریز ماست که نام و یاد راهی که زینب برگزید همیشه فراروی خود قرار داده‌اند. «... شما را قسم به خون همه شهیدان و این دو جگر گوشه من، استقامت داشته باشید و در همه مراحل و سختی‌ها، ایستادگی کنید و راه این شهیدان را ادامه بدهید. نگذارید خونشان هدر رود. این رهبر بزرگ و نستوه را تنها نگذارید، این تکیه کلام مهدی بود.

... ای لشکر علی بن ابیطالب (ع) هر کجا هستید، پیام مادر مهدی را بشنوید "فلاخوف علیهم و لا هم یحزنون" خوف شما را نگیرد. هرگز محزون نشوید حرکت کنید؛ حرکتی حسینی، حماسه‌سرایي کنید، هدف مقدس را دنبال کنید از حرکت باز نایستید، مهدی و آقای او مهدی صاحب‌الزمان (عج) را خشنود سازید. می‌دانید که او همیشه به رزم و جهاد دعوت می‌کرد. انقلابمان را تنها نگذارید و آن را ادامه دهید.

من آرزو می‌کنم، کاش به تعداد رگ‌های بدنم پسر داشتم و در راه اسلام می‌دادم و با خون آن‌ها درخت اسلام را آبیاری می‌کردم. السلام علیک یا ابا عبدالله».

جمالات شهید زین‌الدین که با شهیدان پیش از خود پیمان بست، همیشه در گوش رزمندگان باقی ماند که می‌گفت:

«هرگز مفقودین و شهدایمان را فراموش نخواهیم کرد. خاطره عزیزان ما هرگز از یاد شما نخواهد رفت چون ما در صحنه‌های پیکار با هم بودیم و هیچ وقت نمی‌توانیم قلباً همدیگر را فراموش کنیم. یاد آنهاست که به ما همت، غیرت و جوانمردی می‌دهد که بتوانیم بیش‌تر از پیش بجنگیم.» و چه پرشکوه و جاودانه، آنان نیز به این پیمان با فرمانده شهید خود وفادار ماندند.

▣ کلام آخر

آری، اگر همه چیز در این عالم خاکی خلاصه می‌شد و بس، شاید حتی اثری از این شهید عزیز بر سنگ هم باقی نمانده بود؛ اما حقیقت دیگری نیز وجود دارد، حقیقتی که آیه مبارکه «ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا» آن را جاودانه کرده است.

آری زین‌الدین‌ها راه خدا را زنده و جاوید نگه داشته‌اند و یاد آن‌ها را پاینده و ماندگار. پس بیایید به همچون سرداران و فاتحان قله‌های معنویت اقتدا کنیم تا در عالم محشر شرمندۀ آنها نشویم.

منابع

۱. کتاب سردار عشق
۲. ویژه‌نامه ضرب عشق



۱۹. جامعه مدنی، جامعه دینی

جامعه مدنی فرایندی است که در جوامع غربی به وقوع پیوسته و جامعه‌ای با اصول و بنیان‌های خاص خود و دارای معنا و مفهوم و قالب حکومتی خاص است. اما در معنایی عام، بدون تردید، هر جامعه دینی، جامعه‌ای مدنی است. بنابراین، اگر جامعه مدنی را به مفهوم عام آن در نظر بگیریم و آن را به هر جامعه متمدن؛ قانون‌مدار و قانون‌گرا؛ دارای فرهنگ، آداب، رسوم، هنجارها، ارزش‌های خاص خود و جامعه‌ای مردم‌سالار، که در آن امکان مشارکت آزادانه شهروندان در تعیین سرنوشت و نحوه اداره امور و شؤونات زندگی اجتماعی خویش و نیز امکان تشکیل انجمن‌ها، احزاب و تشکلهای سیاسی، صنفی، شغلی و فعالیت آزادانه و ضابطه‌مند آن در عرصه فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی وجود دارد، تعریف کنیم، البته جامعه دینی هیچ تعارضی با جامعه مدنی، به این معنا نخواهد داشت؛ زیرا جامعه دینی جامعه‌ای است دارای فرهنگ، آداب، رسوم، ارزش‌ها، هنجارها و... و به طور کلی، جامعه‌ای قانون‌مدار و قانون‌گرا که در آن گروه‌ها، احزاب، انجمن‌ها و در مجموع، تشکلهای سیاسی در چارچوب قانون، آزادانه فعالیت می‌کنند. بنابراین، آنچه محل نزاع است جامعه مدنی به اصطلاح خاص است.

جان لاک، جزو اولین کسانی است که جامعه مدنی را طرح نمود. وی جامعه مدنی را در مقابل جوامع طبیعی یا اجتماع طبیعی نوع بشر تعریف می‌کرد و معتقد بود که ویژگی اساسی جامعه مدنی

